آبرنگهایی سرشار از لطافت (به بهانه برپایی نمایشگاه نقاشی استاد عطاالله خانبلوکی)

بوستان، بهمن

بسم اللّه الرّحمن الرّحیم-هو المصور العلیم

همه آن کسانی‏که دل به«دلدار»سپرده‏اند و جا نشان آکنده از مهر آن«دل‏ربا»ی ازلی-ابدی‏ است؛نقش شگفت هستی را در آیینهء جمال آن«هستی‏بخش مطلق»می‏بینند و از مخلوق پی به‏ بزرگی و شگفتی خالق جل عظمته می‏برند.زیرا راه رسیدن به حال و هوای اهورایی فضای‏ دلپذیردوست؛«دل‏سپاری»است،نه«سرسپاری» و نه نیز حتی«جان‏سپاری...!»

ارتباط صمیمی اجتماعی یکی از هنرهای شگفت‏انگیز خانبلوکی است و سررشتهء اصلی این‏ ارتباط،«فرهنگی‏اندیشی»ناب اوست و هنرمندان و شاعران ادیبان که نماد بارز فرهنگ بارور ما هستند؛در زندگی اجتماعی و اندیشهء این هنرمند،«حرف اول»را می‏زنند.

«خانبلوکی»بهمین دلیل در زندگی اجتماعی کثیر الارتباط است و فضای ذهنی و،پیرامونی‏ او آگنده است از هنرمندان،شاعران و ادیبان‏گزیده و صمیم کشور،که هریک در زمینهء هنر، ادبیات و امور اجتماعی این سرزمین نقشی سزاوار دارند.«خانبلوکی»از بسیاری هنرمندان و ادیبان کشور نقش‏هایی گویا و مانابر بوم و کاغذ آورده است که بی‏تردید با یک نگاه ژرف و هنرشناسانه می‏توان به ژرفای ضمیر و اندیشه و نگاه علمی-هنری این چهره‏ها،پی برد...!

درین جا ناچارم برخلاف میلم به بیتی عربی استناد کنم که می‏گوید:

قد عرفناک باختیارک از کان قدر اللبیب فی اختیاره

و معنای این بیت چنین است که:

براستی که تو را از گزیده‏ات شناختم زیرا ارزش یک هنرمند در گزینش اوست

چهره‏هایی که با قلم شیرین خانبلوکی بر کاغذ و بوم نقش بسته است و همه جاودانی‏ شده‏اند،همه از این دست هستند.

فریدون مشیری در طرح خانبلوکی،واقعی‏ترین و صمیمی‏ترین چهرهء بی‏غبار این شاعر نازک‏ دل و نازک خیال و عاشق ایران زمین است.

خانبلوکی با طبیعت ارتباط و پیوند ناگسستنی دارد.او سپیدار را آن‏گونه که در آیینه خیال‏ کودکی‏اش و در کوچه باغ‏های اراک سلطان‏آباد نقش بسته است؛ترسیم می‏کند و اسب،این‏ نجیب و اهواراهورایی را،آنچنان تجسّم می‏کند که گویی خیلی بیش از این سالهایی که سوارکار بوده است،اسب را و مهربانی و نجابت او را دریافته است.

\*\*\* صفت بارز و ستودنی این هنرمند ساکت و بی‏ادّعا،فروتنی و تواضع بایستهء اوست.او شعر را می‏ستاید و شعر خوب را می‏شناسد،هنر را با تمام جانش لمس کرده و با موسیقی ارتباطی‏ ناگسستنی دارد.با اینهمه در تمام این زمینه‏ها که برشمردم،خانبلوکی،هرگز ادّعا نکرده و مدعی‏ هم نیست.